

دکتر سید احمد رضا خضری

دانشیار دانشگاه تهران

ستاره کرامتی

دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی

مقایسه و بررسی تطبیقی روش تاریخ نگاری طبری و ابن اثیر

چکیده

تاریخ طبری و الکامل ابن اثیر پس از گذشت صدها سال هم چنان به عنوان دو منبع اصلی برای شناخت دوره‌هایی از تاریخ جهان اسلام، مورد استفاده قرار می‌گیرند. از آنجا که ابن اثیر در نگارش الکامل تا سال ۳۰۲ هجری به طور جدی و قابل ملاحظه بر تاریخ طبری متکی بوده، همواره بررسی شیوه‌های نگرش این دو مورخ بزرگ به تاریخ در کنار روش تاریخ نگاری، آیین نگارش و منابع و مآخذ هر کدام در میان پژوهشگران تاریخ مورد بحث و گفتگو بوده است. از این رو نگارندگان این مقاله برآنند تا با مقایسه تطبیقی این دو اثر از نظر محتوا، روش، اولویت‌ها و نگرش، چگونگی تأثیرپذیری الکامل را از تاریخ طبری تبیین و اهمیت هر کدام از آن دو را روشن سازند.

کلید واژه:

تاریخ الرسل و الملوک، الکامل فی التاریخ، محمد بن جریر طبری، ابن اثیر، مقایسه و بررسی

تطبیقی، روش تاریخ‌نگاری

مقایسه و بررسی تطبیقی روش تاریخ نگاری طبری و ابن اثیر

مقدمه

آثار تاریخی در هر دوره از تاریخ، بیانگر تفکر غالب بر بخش اعظم جامعه و در نتیجه چگونگی نگرش به وقایع تاریخی آن دوره و دوره‌های پیشین است. جامعه عرب نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در حوزه‌ی تاریخ و تاریخ‌نگاری نیز همچون سایر ارکان حیات اجتماعی خود، دستخوش دگرگونی‌هایی بوده‌اند. قرآن و سنت به عنوان اولین الگو برای مسلمانان، منشأ پیدایش گونه‌های متفاوتی از آثار تاریخی شدند که با وسعت یافتن افق مطالعات مسلمانان و نیز مجاورت و آمیزش با اقوام متمدن آن روزگار شکل و سمت و سویی متنوع‌تر و غنی‌تر یافته و تحت همین مقوله است که تاریخ اسلام به لحاظ برخورداری از تنوع آرا و عقاید و تأثیر آن بر تاریخ‌نویسان مسلمان اهمیت به سزایی می‌یابد.

از جمله آثار ارزشمند تاریخ اسلام، دو کتاب تاریخ‌الرسول و الملوک اثر محمد بن جریر طبری و الکامل فی التاریخ نگارش ابن اثیر است که پس از گذشت چندین قرن همچنان به عنوان اصلی‌ترین منابع و مآخذ برای شناخت دوره‌هایی از تاریخ مورد استفاده قرار می‌گیرند. گذشته از گستردگی موضوعی و اعتبار منابع طبری و ابن اثیر در آثارشان، از آنجاکه ابن اثیر در نگارش مطالب خود تا سه قرن اول هجری بر تاریخ طبری متکی بوده است، برخی منتقدان و تاریخ‌نویسان روش، وی را در تألیف الکامل، متأثر از تاریخ‌الرسول دانسته‌اند. و در مقابل گروهی نیز با برشمردن تفاوت‌های هر دو کتاب و همچنین بررسی روش و شیوه‌ی هر دو مؤلف در تدوین و تنظیم آثارشان، هر یک را صاحب سبک و سلیقه و نگرش خاص خود معرفی کرده‌اند. از این دست می‌توان به کارل بروکلمان اشاره کرد که با بررسی و مقایسه‌ی دو اثر از لحاظ دستور زبان و نیز منابع و اولویت‌های هر یک در پردازش مطالبی که در اختیار داشته‌اند، آن را دستمایه‌ی پژوهش در رساله‌ی دکترای خود قرار داده است. حاصل پژوهش وی با عنوان «مقایسه الکامل فی التاریخ ابن اثیر با تاریخ‌الرسول و الملوک طبری» در مجله‌ی استراسبورگ به چاپ رسیده است. اما نگارندگان در این مقاله می‌خواهند با بررسی این دو اثر، آنها را از لحاظ محتوا، روش تاریخ نگاری، آیین نگارش و شیوه‌های نگرش مورد ارزیابی قرار داده و پس از بیان اهمیت هر یک،

چگونگی تأثیرپذیری کامل را از تاریخ طبری نیز روشن ساخته و مقایسه‌ای میان آنها به عمل آورند.

زندگی و آثار طبری

ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن خالد طبری در اوایل سال ۲۲۴ یا ۲۲۵ ق در آمل زاده شد و به سال ۳۱۰ ق در بغداد درگذشت. وی جهت تحصیل، روانه‌ی ری و پس از مدتی به قصد شرکت در محضر درس احمد بن حنبل، راهی بغداد شد و در این میان از حضور علمای شهرهای کوفه و واسط نیز بهره جست (ابن خلکان ۱۹۱/۴-۱۹۲؛ الحوفی ۳۴-۳۵)، طبری نخست شافعی مذهب بود ولی پس از مسافرت‌های پیاپی به مناطق مختلف مانند شام و اقامت در مصر، هنگام بازگشت به بغداد در برابر مذاهب چهارگانه‌ی اهل سنت در ایستاد و مکتب فقهی ویژه‌ای بنیاد نهاد که بعدها به نام او به جریره شهرت یافت. وی احمد بن حنبل را محدث می‌دانست. از این رو در فقه، اعتباری برای او قایل نبود، به همین سبب در بغداد مورد دشمنی و هجوم حنابله قرار گرفت. (ابن خلکان، همان‌جا؛ الحوفی، ۷۲/۱۳، ۲۳۳-۲۳۴؛ العزازی، ۳۷) طبری نه تنها به تاریخ و تفسیر قرآن، بلکه به علوم دیگر مانند نحو، اخلاق، پزشکی و ریاضیات نیز توجه داشت. از وی آثار بسیاری در زمینه‌های متفاوت برجای مانده که برخی از آنها عبارتند از: تاریخ الرسل و الملوک، جامع البیان فی تفسیر آیات القرآن معروف به تفسیر طبری، اختلاف الفقهاء، القراءات، بسیط القول، ادب النفس، تهذیب الآثار، المسترشد. (ابن خلکان، همان‌جا؛ زرکی ۲۹/۶)

اصول و روش تاریخ نگاری طبری

تاریخ طبری، تایخ الرسل و الملوک، اخبار الرسل و الملوک و تاریخ کبیر، عناوینی مشابه بر یکی از بزرگترین آثار است که در زمنیه‌ی تواریخ عمومی به تألیف رسیده و از اعتبار و شهرت غیرقابل انکاری برخوردار است.

این کتاب به شیوه‌ی سال شماری فراهم آمده و مشتمل بر تاریخ جهان و اسلام از آغاز تا اوایل قرن چهارم هجری است و با ذکر حدوث زمان و آغاز خلقت و داستان آدم شروع شده و پس از ذکر پیامبران دیگر و حوادث روزگار آنان به احوال و اخبار فرمانروایان و دولت‌های بزرگی مانند

ایرانیان پرداخته است. آنگاه اخبار عرب پیش از اسلام و روابط دولت لخمیان حیره و ساسانیان و اوضاع عربستان پیش از اسلام را دنبال کرده تا به دوره‌ی اسلامی رسیده و سرانجام به وقایع سال ۳۰۲ قمری ختم شده است.

طبری در نگارش اخبار الرسل و الملوک به شیوه‌ی محدثان از روش روایی سود جسته و با پرهیز از هرگونه نقد و تحلیل، تمامی روایات مختلف و گاه متباین درباره‌ی یک واقعه را یک جا گردآوری کرده است. بنابراین با درج سلسله اسناد هر رویداد، آن را از زمان شخص اول یا شاهد ماجرا ذکر کرده، ضمن آنکه ارزش روایات نیز در نزد او وابسته به سندهای آن است و به نظر وی هرچه سند یک رویداد به زمان وقوع نزدیک‌تر باشد، اعتبار روایت هم بیشتر است. در نتیجه گروهی از محققان هدف طبری را از نگارش تاریخی بدین سبک و شیوه جهت تکمیل تفسیر او بر قرآن بر شمرده‌اند. (رک. بروکلان، رساله، ۹؛ الحوفی ۲۰۴/۱۳، ۱۹۴، ۱۰۱، العزاوی ۱۷۵؛ عالم‌زاده، ۴۱)، درستی و وفاداری نسبت به متن روایت شده، حتی در مورد نقل قول‌هایی از زبان بیگانه، همچون اشعار فارسی برای او اصلی تخلف‌ناپذیر به شمار می‌آمد. (روزنتال، ۱۸۶) به شکلی که رعایت این شیوه در مورد اخبار پیش از اسلام و مطالب مربوط به آفرینش زمان و آدم و وقایعی نظیر آنها که راویان آن در معرض نقادی رجال شناسان قرار نگرفته‌اند، این بخش‌ها را حاوی اخباری بی‌پایه، افسانه‌ای و مشحون از اسرائیلیات ساخته است (العزاوی، ۲۳۵، عالم‌زاده، همان جا) طبری خود نیز با درک این نقیصه در مقدمه‌ی تاریخ الرسل به دفاع از شیوه‌ی خویش پرداخته و مسئولیت خود را در آنچه که آورده، بر عهده‌ی راویان نهاده و متذکر شده که تاریخ جزو علوم عقلی نیست و راه اطلاع به اخبار گذشتگان فقط نقل روایت از راویان است و در نتیجه غیرقابل نقد بوده و راهی برای اثبات درستی و نادرستی آن وجود ندارد. (طبری ۶/۱) از منابع مورد استفاده‌ی طبری، تصویری روشن و منطبق بر حقیقت در دست نیست. البته این تصور که مواد و منابع وی به صورت شفاهی در دست بوده است، هنوز برتری دارد. با این همه براساس تحقیقات جدیدی که از نیمه‌ی دوم قرن نوزدهم میلادی صورت گرفته، این اندیشه در حال گسترش است که طبری نه تنها مواد خود را از روایات شفاهی و یا منابع مکتوب پراکنده نگرفته، بلکه مانند دیگر تاریخ‌نویسان و محدثان هم عصرش از نوشته‌هایی که در اختیار داشته استفاده کرده است، با این تفاوت که به ندرت از آنها یاد کرده و تنها با ذکر نام نویسنده‌ی کتاب هم چنان بر سنت حفظ

سلسله اسناد پافشاری کرده و در مواردی که منبع خبر وی شفاهی بوده است، با عباراتی مانند «فلان شخص به من گفت» موضوع را به منبع اول مستند ساخته است (سرزمین ۴۵۸-۴۵۹؛ الحوفی ۱۳/۱۹۴)؛ برای نمونه، تاریخ ایران را از ترجمه‌ی عربی کتاب‌های فارسی توسط هشام کلبی و ابن مقفع، اخبار عرب جاهلی را از محمد بن کعب و وهب بن منبه، سیره پیامبر را از کسانی چون ابان بن عثمان، عروة بن زبیر، شرحبیل بن سعد، موسی بن عقبه، عاصم بن عمر بن قتاده، ابن شهاب زهری و ابن اسحاق، نیز جنگ‌های رده و فتوحات را براساس سیف بن عمرو مدائنی نگاشته است. در خصوص وقایع دوران خلافت علی (ع)، مطالب خود را از ابومخنف و مدائنی و سیف بن عمر برگرفته و برای بخش‌های مربوط به بنی‌امیه به گفته‌های تاریخ نویسانی، چون عوانة بن حکم، ابو مخنف، مدائنی، واقدی، عمر بن شبة و هشام کلبی مراجعه کرده و سرانجام منابع او در زمینه‌ی تاریخ خلفای بنی عباس، احمد بن ابی خیشمه، مدائنی، هیثم بن عدی، واقدی و احمد بن زهیر بوده و اگر در جایی از کتابی به عنوان منبع نام برده، (چنان که اشاره شد) آن را با ذکر سلسله سند به آخر رسانده است. (الحوفی ۱۳/۱۹۴-۱۸۸)

بسیاری از تاریخ نویسان بر تاریخ الرسل، تکمله نوشته‌اند. طبری خود اولین کسی بود که بر این تاریخ ذیل و تکلمه‌ای نگاشت و با عنوان «ذیل المذیل من تاریخ الصحابه و التابعین» به بررسی سرگذشت نامه‌های اصحاب و تابعین رسول خدا پرداخت (روزنتال، ۱۸۷) پس از او عرب بن سعد قرطبی، دنباله‌ی مطالب را تا وقایع سال ۳۲۰ ق، ثابت بن سنان تا سال ۳۶۰ ق، هلال بن محسن صابی تا سال ۴۴۸ ق، محمد غرس النعمه تا سال ۴۷۹ ق و محمد بن عبدالملک همدانی تا سال ۴۸۷ ق رسانیدند (بروکلمان، تاریخ الادب العربی، ۳/۴۹-۴۷). تاریخ طبری در دوره‌ی سامانیان به دستور منصور بن نوح توسط ابوعلی بلعمی با حذف روایت‌های تکراری و سلسله اسناد و افزودن پاره‌ای مطالب و بعضی مقدمات به فارسی ترجمه شد. (الغزوی، ۱۳۲)

گروهی از خاورشناسان تحت نظارت دخویه هلندی به تحقیق بر روی تاریخ طبری پرداختند که عبارتند از: نولدکه، هوتسما، پریم، فرانکل، بارون روسل، گویار، بارث و گیودی. دخویه خود بخش بزرگی از کار را برعهده گرفته و بر تحقیقات سایر همکاران نیز تمرکز و دقت داشته است. این مجموعه‌ی بزرگ تاریخی، سرانجام در سیزده جلد اصلی و دو جلد ملحقات شامل فهرست مطالب و فرهنگ لغات و اصطلاحات از سال ۱۸۷۹ تا ۱۹۰۱ م در سه مجموعه

منتشر شد. به نظر دخویه، کتاب عریب بن سعد قرطبی که علاوه بر دنباله‌ی تاریخ طبری، تاریخ مغرب و اندلس را نیز دربرداشت، شایسته آن بود که تتمه تاریخ آن باشد و این بود که در سال ۱۸۷۹م آن را هم به صورتی جداگانه عرضه کرد. (سوازه، ۲۰۸، بدوی ۱۱۷) متن کامل تاریخ طبری توسط ابوالقاسم پاینده به فارسی نیز ترجمه و در سال ۱۳۵۲ ش در تهران منتشر شده است.

زندگی و آثار ابن اثیر

ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم محمد بن محمد بن عبدالکریم بن عبدالواحد شیبانی، معروف به ابن اثیر به سال ۵۵۵ هـ ق در جزیره ابن عمرزاده شد و در سال ۶۳۰ هـ ق در موصل از دنیا رفت. پدرش از صاحب منصبان دستگاه اتابکان زندگی بود و در سال ۵۷۹ ق از جزیره به شهر موصل منتقل شد. بنابراین دوران جوانی ابن اثیر و برادرانش که همچون خود او بعدها با عنوان ابن اثیر، صاحب نام و شهرتی بسزا در زمینه‌های فرهنگی و ادبی شدند، در موصل سپری گشت. ابن اثیر، آموزش را در اوآن کودکی با قرآن شروع کرد و سپس به فقه و حدیث پرداخت و در موصل و شام و بغداد نزد استادان برجسته‌ی آن دوران، دانش آموخت. وی همواره از استادان خود در آثارش به نیکی یاد کرده است. ابن اثیر خود نیز در شهر موصل به امر تدریس و تألیف مشغول بود و منزل خود را در آن شهر محل اجتماع علما و طلاب آن زمان قرار داد. او حافظ حدیث بود، بر تاریخ مسلط و به انساب عرب نیز کاملاً واقف بود. آثار مشهوری که از ابن اثیر برجای مانده، مبین علاقه‌ی وافر او به شاخه‌های متفاوت تاریخ‌نگاری مانند تاریخ عمومی، دودمانی، انساب و تراجم است و الکامل فی التاریخ، أسدالغابه فی معرفة الصحابه، التاریخ الباهر فی الدولة الاتابکیه و اللباب فی تهذیب الانساب (ابن خلکان، ۳۴۸/۳-۳۴۹، ذهبی، ۳۵۳/۲۲) تنها شماری از آثار او اکنون باقی مانده است.

اصول و روش تاریخ‌نگاری ابن اثیر

الکامل فی التاریخ از مشهورترین و معتبرترین کتاب‌های تاریخی است که ابن اثیر شهرت خود را به عنوان یک تاریخ‌نویس مدیون آن است. این کتاب که با عنوانی مشابه دیگری مانند کامل ابن اثیر، کامل التواریخ و تاریخ کامل نیز شناخته شده است. در میان انواع تاریخ‌نگاری

اسلامی در زمره‌ی تاریخ‌های عمومی قرار دارد و ابن اثیر در آن به بیان حوادث از ابتدای خلقت تا سال ۶۲۸ ق پرداخته است. (براون ۷۷۶/۲)

ابن اثیر در مقدمه‌ی الکامل در برابر ناقدانش درباره‌ی علت تألیف الکامل می‌آورد: از نظر من بسیاری از کتاب‌های تاریخی خیلی کوتاه نوشته شده و بسیاری از حوادث را از قلم انداخته‌اند و یا اینکه با تکرار روایات متعدد و مسایل کم اهمیت، طولانی و خسته کننده‌اند؛ ضمن آنکه هر تاریخ نویسی، وقایع را تا زمان خود نگاشته و تاریخ‌نویسان پس از او نیز با ذیلی بر همان کتاب، دنباله‌ی تاریخ را با پیشامدهای تازه به زمان حیات خود رسانیده و در این میان تاریخ شرق خالی از اخبار غرب و تاریخ غرب خالی از اخبار شرق است. بنابراین خوانندگان برای مطالعه‌ی یک دوره‌ی کامل تاریخ، محتاج کتاب‌های متعددی هستند که ابن اثیر به زعم خود برای جبران این نقیصه به جمع‌آوری کل اطلاعات و اخبار و مواد تاریخی موجود به صورت یک جا پرداخته و این را از مزایای اثر خویش بر شمرده است (ابن اثیر، ۶۰۲).

در تدوین و تنظیم الکامل، ابن اثیر همچون طبری، شیوه‌ی سال شماری را برگزیده است. توالی زمانی یا شیوه‌ی سال شماری که در بسیاری از منابع کهن تاریخی (اعم از دودمانی، طبقات و انساب) نیز رعایت شده و یکی از بارزترین شکل‌های تدوین و عرضه‌ی مواد تاریخی در دوره‌ی اسلامی بوده، القاکننده‌ی پیوند تاریخی میان حوادث است. اما رعایت دقیق این شیوه، بیشتر سبب از هم گسیختگی اطلاعات نیز می‌شود (عالم‌زاده، ۷۳-۷۲). ابن اثیر در توضیح این مطلب می‌نویسد بر اساس این روش یک رویداد در ذیل حوادث چند سال و در ماه‌های مختلف ذکر می‌شده است و بدین صورت آن واقعه قطعه قطعه شده و مرادی از آن حاصل نمی‌گردد. او برای جبران این وضعیت، وقایعی را که طی سال‌ها و ماه‌های پراکنده رخ داده‌اند در یک جا جمع کرده و در ضمن یادآور شده که هر بخش در کدام ماه از کدام سال رخ داده است. در نتیجه جریان هر واقعه به طور منظم به دنبال هم قرار گرفته و همه‌ی قسمت‌ها با هم پیوستگی می‌یابند (ابن اثیر ۴/۱). برای مثال، وی در بیان حوادث سال ۲۵۵ ق و ابتدای کار صاحب الزنج به شرح حال و اصل و نسب و فعالیت‌های اولیه‌ی او پرداخته، انگاه ذیل وقایع سال‌های بعد ماجراهای صاحب الزنج را تا زمان مرگش بیان کرده است. (همو، همان، ۲۰۵-۲۱۵) گاه نیز کل اخبار یک واقعه را که بخش‌های آن در فواصل زمانی کمتری از یکدیگر رخ داده در قالب یک روایت به هم پیوسته نقل کرده است.

از آن جمله ماجرای حمله‌ی سپاه ابو محمد عبیدالله شیبی به اسکندریه تحت فرماندهی حنّاسه است که در جمادى الآخر سال ۳۰۲ ق، رخ داد. این واقعه که در مدت یک ماه شروع شده و به سرانجام رسیده در تاریخ طبری و براساس سبک خاص او در چند مرحله ذکر شده، به طوری که وقایع نامربوط دیگر نیز در بین حوادث آن ماه بیان شده است. اما ابن اثیر (چنان که اشاره شد) با حذف ماجراهای غیر مرتبط، کل این رویداد را در چند سطر به صورت یک جا نقل کرده است.

(رک، طبری ۱/۱۵-۶۷۸۱-۶۷۸۲؛ ابن اثیر، ۹/۸)

وی در تألیف الکامل از روش ترکیبی استفاده کرده است. در این روش به جای ذکر روایات و اسناد متعدد یک واقعه، از راه مقایسه و ایجاد سازگاری میان روایات گوناگون آن را طی یک روایت بیان می‌کنند. (عالم زاده، ۴۲) ابن اثیر در توضیح روش تاریخ نگاری خود می‌نویسد: کامل‌ترین و جامع‌ترین روایات را برگزیده و مطالب دیگری را که در آن‌ها نبوده بر آن افزوده است و هر مطلبی را در جای خود قرار داده، بنابراین آنچه در مورد حادثه‌ای روی داده با وجود گوناگونی روایات و روش‌های نگارش، همه به یک شیوه نگارش یافته است. (ابن اثیر ۳/۱) در واقع ابن اثیر برخلاف طبری برای برقرار ساختن تعادل میان روایات از نقد یکایک آن‌ها خودداری کرده است. (اشپولر، تاریخ ایران، ۱/۲۶۱) برای، مثال طبری در بیان حوادث سال ۵۴ ق و ذکر امارت عبیدالله بن زیاد بر خراسان به شرح تمام روایت‌های مربوط به این قضیه پرداخته است. بدین ترتیب که گفتگوی معاویه و عبیدالله بن زیاد در مورد امارت ناحیه‌ی خراسان، مسیر حرکت و عبور وی از مناطق مختلف به سوی خراسان و نیز جنگ‌ها و فتوحات او بر ترکان و تصرف بیکند و نسف و بخارا را با ذکر نام راویان آن در چند صفحه به تفصیل بیان کرده، در صورتی که ابن اثیر همین مطلب را با پرهیز از ذکر نام راویان متعدد، آن در قالب یک روایت پیوسته و منسجم شرح داده است. (طبری، ۲۸۵۹/۷-۲۸۶۲؛ قس: ابن اثیر ۳/۴۹۸) اما مهم‌ترین مسأله در مورد این کتاب، نیابردن منابع و مآخذ مورد استفاده‌ی نویسنده است. البته ابن اثیر در کتاب خود به روشنی استفاده از منابع دیگر را پذیرفته، بی‌آنکه به طور مشخص آن‌ها را معرفی نماید (ابن اثیر، ۳/۸۱۱) به جز تاریخ طبری که وی در مقدمه‌ی کتابش به نحوه‌ی استفاده از آن و موارد متفاوت شیوه‌ی خود از سبک تاریخ نگاری او پرداخته است. (ابن اثیر، ۳/۱) بر این اساس مبنای کار ابن اثیر تا سه قرن اول هجری تاریخ طبری بوده است، با این حال روایت‌های قابل توجهی درباره‌ی حوادث این دوره در الکامل

یافت می‌شود که یاد در تاریخ طبری نیامده و با این که به صورتی گذرا و ناقص مورد اشاره طبری قرار گرفته است. (اشپولر، تاریخ ایران، ۲۶/۱). برای مثال برخورد و جنگ میان سپاه مسلمان و چینیان در سال ۱۳۲ ق و پیروزی مسلمین در این نبرد، از مواردی است که تنها مورد اشاره ابن اثیر بوده است. (ابن اثیر، ۴۹۹/۵) در بخش‌های آغازین الکامل پس از نام طبری به اسامی دیگری چون وهب بن منبه، ابن اسحاق، ابن دیسان، ابن عباس، کلبی، ابن مسعود، بطلمیوس، جالینوس، حمزه اصفهانی نیز اشاره شده که در مباحث مربوط به ابتدای خلقت و تاریخ پیامبران و عرب‌های جاهلی و پادشاهان روم به نقل مطالبی از ایشان پرداخته است. (ابن اثیر، ۱۳۱/۱-۱۷، ۵۷، ۲۲، ۳۲۶، ۳۳۲، ۳۳۷). ابن اثیر در مورد تاریخ زندگانی پیامبر اسلام (ص) و آنچه که میان یاران ایشان گذشته، چیزی بر روایات منقول از طبری نیفزوده، مگر آنچه که در روشن‌تر ساختن مطالب مؤثر بوده و نیابردن آن نیز آسیب مهمی بر روایت نمی‌زده است. (ابن اثیر، ۳/۱) در این بخش او از آثار زهری، واقدی و ابن اسحاق سود جسته است. (ابن اثیر، ۴۶۶/۱، ۵۰/۲، ۶۰) در مجموع این بخش از تاریخ اسلام را بسیار مختصر نوشته به طوری که طولانی و ملال آور نبوده و تنها کمتر از یک بیستم کل کتاب را در برمی‌گیرد. (روزنتال، ۲۰۱) برای نگارش تاریخ سیاسی و فتوحات در مناطق مختلف، ابن اثیر علاوه بر تاریخ طبری به آثار مدائنی، مسعودی، بلاذری، امیر عبدالعزیز، ابن ابی اسامه، ابن زید، عماره یمنی، باخرزی و ابوالقاسم الابیض العلوی مراجعه کرده است. (رک، ابن اثیر، ۴۰۱/۳، ۴۹۱/۵، بروکلان، رساله ۲۶-۲۸) در بخش مناطق شرقی نظیر ایران و نیز سایر مناطق، ابن اثیر نقایص کتاب طبری را با بررسی آثار و نوشته‌های دیگران همچون تاریخ ولایة خراسان ابوعلی سلامی و تاریخ یمینی عتبی بر طرف ساخته است. گذشته از آثار یاد شده نوشته‌های ثابت بن سنان و ابن الجوزی، ابن مسکویه، بیهقی، ابن عساکر، محمد بن عبدالملک همدانی و باخرزی نیز در تدوین تاریخ حوادث قبل و بعد از سال ۳۰۲ ق یعنی تاریخ پایان کار طبری مورد مطالعه و بررسی ابن اثیر قرار گرفته‌اند. (آژند، تاریخ نگاری در ایران، ۳۴، الحوفی، ۸۳/۱۱۴-۱۱۵؛ باسورث، ۹) باید افزود که چون تاریخ آفریقای و مصر و نیز مسلمانان اندلس در کتاب طبری نادیده گرفته شده است، بنابراین ابن اثیر با مراجعه به برخی منابع محلی به تألیف این بخش از تاریخ اسلام پرداخته است. (بروکلان، رساله، ۵۰-۵۵) اما وضعیت منابع و مآخذ ابن اثیر در مورد تاریخ معاصر خود که سرشار از تحولات سریع و پی در پی در جهان اسلام است به گونه‌ای دیگر بوده، در واقع وی

برخلاف طبری تاریخ معاصر خود را با تفصیل بیشتری بیان کرده است. چرا که در موقعیتی بوده که می‌توانسته اطلاعات مفید و دست‌اولی از تاریخ مناطقی که عموماً درگیر جنگ‌های صلیبی و اختلافات داخلی میان اناپکان زنگی بودند، عرضه نماید. در نتیجه او مطالب مربوط به اوایل جنگ‌های صلیبی را که چند سال پیش از تولدش آغاز شده بود، از مطالعه آثار عمادالدین کاتب اصفهانی و همچنین پدر خود به دست آورده پس از رسیدن به سن رشد، مشاهدات شخصی او در حین مسافرت‌هایش به سرزمین‌های درگیر جنگ و یا حضور مستقیم در جبهه‌های نبرد علیه صلیبیان و گفته‌های شاهدان عینی، منبع خوبی برای کسب اخبار این دوره به شمار می‌آمده است. (رک، بار تولد، ۳۷/۱) و اما مهم‌ترین واقعه‌ای که بیشترین بخش‌های پایانی الکامل فی التاریخ را به خود اختصاص داده و از امتیازات این اثر به شمار می‌رود، هجوم مغولان به سرزمین‌های اسلامی است. ابن اثیر همچون یاقوت حموی، نسوی، ابن ابی‌الحدید و منهاج سراج از جمله تاریخ‌نویسانی است که با ابتدای حمله مغول و استیلای آنان بر مسلمانان معاصر بوده‌اند. یعنی یا به چشم خود فجایع ایشان را دیده و از برابرشان گریخته‌اند و یا شرح مفصل صدمات و خرابی‌های وارده را از زبان شاهدان عینی و فراریان از صحنه شنیده و ضبط کرده‌اند. ابن اثیر نیز چون در بین‌النهرین می‌زیسته، وقایع مربوطه به مناطق شرقی را که مستقیماً درگیر جنگ بودند از گفته‌های بازگنان و کسانی که مدام در حال سفر بوده‌اند به دست آورده است. (بار تولد، ۱۱۱/۱؛ طلیمات، ۱۵۳۱۸۳) از این‌رو الکامل فی التاریخ حاوی نخستین بخش از تاریخ مغولان است که خراب‌کاری‌های ظالمانه آن دوره را به نقل از شاهدان عینی و به‌طور مستقیم منعکس ساخته، به طوری که مطالب او و نسوی درباره‌ی ابتدای کار چنگیزخان و جانشینانش چون از روی آزادی و استقلال نوشته شده بر کتاب خواجه رشیدالدین فضل‌الله که در دربار مغول بوده و از آزادی در گفتار و رفتار برخوردار نبوده، از اهمیت و ترجیح بیشتری برخوردار است. (اشپولر، تاریخ مغول در ایران، ۱۷)

الکامل فی التاریخ نیز با شهرتی همچون تاریخ طبری منبع و مأخذ بسیاری از تاریخ‌نویسان دیگر بوده که در بیشتر آثار خود بر آن تکیه کرده‌اند، هر چند که آثار خود را با منابع تاریخی محلی دیگری تکمیل ساخته‌اند. (آزند، تاریخ نگاری در ایران، ۳۲-۳۳) تاریخ‌نویسانی همچون اوبشامه در الروضتین و ذیل آن، ابن‌واصل در مفرج‌الکروب، سبط ابن‌الجوزی در مرآة‌الزمان، ابن‌خلدون در

العبر و از آن جمله‌اند. هم‌چنان‌که ابوالفداء، المختصر فی تاریخ البشر خود را بر پایه‌ی مطالب الکامل نوشته است. (الحوفی، ۱۱۷/۸۳) گروهی نیز به نوشتن ذیل و تلخیص و تکمله بر آن پرداخته‌اند، مثل ابن حجر و ابن الساعی که دنباله حوادث را به سال ۶۵۶ ق رسانیده و اثرش با عنوان کتاب الجامع المختصر فی عنوان التواریخ و عیون السیر مشهور است. (روزنتال، ۶۷۲-۶۷۳) پس از او جمال‌الدین محمد بن ابراهیم بن یحیی کتبی، معروف به وطواط و نیز شهاب‌الدین محمود بن سلمان حلبی معروف به ابن فهد، تعلیقاتی بر آن افزوده و یا به تلخیص و تکمیل آن پرداخته‌اند. (بروکلمان، تاریخ الادب العربی، ۵۰/۱۳) در میان تاریخ نویسان اروپایی نیز الکامل فی التاریخ به شیوه‌های متفاوت مورد مراجعه قرار گرفته است به عنوان مثال فاگستال در سال ۱۴۰۱ م بخش‌های مربوط به مغرب و اندلس را با تعلیقاتی که خود افزود، عرضه کرده و تورنبرگ و زامباور نیز به ترجمه بخش‌های مربوط به فتح اسپانیا و... به زبان‌های دیگر پرداخته‌اند (همو، همان جا) اما اولین چاپ انتقادی از این کتاب توسط کارل یوهانس تورنبرگ در لیدن سوئد به سال ۱۸۵۱-۱۸۷۶ م در چهارده جلد ارائه گردید (همو، همان جا) برگردان فارسی این کتاب نیز نخستین بار توسط انجم‌الدین طارمی از استادان انشا، و ادب دوره‌ی گورکانی در اواخر قرن هشتم انجام گرفت، (حاجی خلیفه، ۱۳۸۰/۲)، ولی امروزه، ترجمه‌های دیگری نیز از این اثر موجود است که به قلم و انشای آقایان عباس خلیلی، هاشمی حائری، ابوالقاسم حالت، دکتر باستانی پاریزی، حسین روحانی و حمید رضا ژیر منتشر شده است.

تفاوت‌ها و شباهت‌ها

در بررسی و مقایسه دو کتاب تاریخ‌الرسل و الکامل فی التاریخ آنچه اهمیت دارد، تفاوت در نحوه تنظیم و برداشت و نوع نگارش است و هر دو مؤلف نیز در مقدمه آثارشان به توجیه سبک و شیوه خود پرداخته‌اند. چنان‌که اشاره شد، طبری در تاریخ نگاری نیز بینش حدیثی داشت و بنابراین با استفاده از روش تاریخ نگاری روایی به نگارش پرداخته و طبیعی است که در این روش رایج خبر با ذکر سلسله اسناد بر هر گونه تحلیل و نقد و گزینش ترجیح داد. او نیز پیشاپیش در مقدمه تاریخ‌الرسل، در مقام دفاع از روش خود، داوری درباره وقایع ذکر شده را بر عهده‌ی خوانندگان و آیندگان نهاده است (طبری، ۶/۱) در برابر او ابن اثیر بانتخاب روش ترکیبی یعنی

پالایش و گزینش روایات به نوعی سعی در رهایی از شیوه طبری و امثال او را داشته است و در بیشتر موارد نام راوی را به اختصار در سند می‌آورد (بوکلان، رساله، ۹) در شیوه‌ی سال شماری نیز این تفاوت پردازش آشکار است. طبری از این شیوه، طبق اصول و قواعد خاص و دیکته شده پیروی کرده و گاه در برخی موارد در تعیین تاریخ دقیق یک واقعه نیز مرتکب اشتباه گردیده است (اشپولر، تاریخ ایران، ۲۵/۱، الحوفی، ۱۹۷/۱۳، ۲۱۷). ولی این اثیر برای ارایه مطالب به شکل یکپارچه با حذف روایت‌های نامربوط، یک گزارش منسجم و یکپارچه از هر واقعه را ارایه می‌کند اختلاف سلیقه‌ی این دو تاریخ نویس در برخی جزئیات دو کتاب نیز به چشم می‌خورد. از جمله این که طبری در تنظیم و نگارش مطالبش از لغت‌ها و اصطلاحات رایج دوره‌ی خود که طبیعتاً برای معاصران او قابل درک بوده، استفاده کرده و این اثیر نیز در آن بخش‌هایی که برداشت از تاریخ طبری است، با تغییر لغات مهم آنها را برای خوانندگان زمان خود آسان‌تر ساخته و از نثری ساده و قابل درک و عبارت‌های کوتاه و فاقد صنایع لفظی استفاده کرده است. (بوکلان، ۹، الحوفی، ۱۱۰/۸۳) از مهم‌ترین نکات تفاوت الکامل و تاریخ الرسل مسأله خرافات و موهومات است. گرچه این اثیر بنا بر شرایط حاکم بر جامعه عصر خود و سطح درک و آگاهی مردم آن روزگار، ناگزیر از پرداختن به این‌گونه امور بوده اما بیشتر وقت‌ها پس از بیان سخنان طبری به طور مختصر، با جملاتی به رد نظریات او پرداخته و چنین برداشت‌هایی را شایسته یک تاریخ‌نویس ندانسته است. (رک، ابن اثیر، ۲۱/۱-۲۲، ۲۴۷) در واقع اشاره او به این مطلب بیانگر آن است که وی رویدادهای تاریخی را بر حسب عظمت ظاهری آنها نقل نکرده، بلکه آنچه را که موافق عقل یافته، برگزیده و با مطالبی که خود بدان افزود تألیف تازه‌ای پدید آورده است. علاوه بر این معیار او در گزینش روایات نه پیروی از فلسفه تاریخ و روابط علت و معلولی قضایا، بلکه نوعی پذیرش از سوی خود او بوده است. از این رو مطالبی را که موافق عقل نمی‌دیده، یا نقل نکرده و یا همچون برخی روایات طبری و امثال او، در بخش‌های اولیه کتاب مورد انتقاد قرار داده است. این وضعیت نه فقط به هنگام ذکر موهومات منقول از طبری بلکه در مورد کسانی چون شهرستانی، و ابن جوزی نیز به دلیل روایاتی که از دید او نادرست و ناشی از تعقیب و غرض‌ورزی ایشان بوده نیز مشاهده می‌شود. (همان، ۳۳۲/۱-۳۳۳) در تاریخ طبری مهم‌ترین رویدادهای هر سال در مکان نخست جای دارد و به طور عمده، سرگذشت نامه‌های متعدد خلیفگان در پایان دوره‌ی خلافتشان آمده است. طبری بیشتر به ذکر

نامه‌ها، خطبه‌ها و گفتگوها در مناسبت‌های مختلف پرداخته و بیشتر با صنایع لفظی ادبی و اشعار مطالب را رایج کرده و با دیدگاه بغدادی نگرش حکومت مرکزی را منعکس می‌سازد. به طور کلی در این اثر، حوادث نظامی و سیاسی در درجه‌ی اول اهمیت است و موضوعات مهم دیگری چون وقایع اداری، فرهنگی و اجتماعی در دوره‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته و تمام آن چه در این باره وجود دارد، موارد پراکنده‌ای است که چون سنگ‌ریزه‌هایی در دل بادیه رها شده است. ضمن آنکه محور عمده توجه او با وجود ایرانی تبار بودنش، دربار خلافت و منطقه‌ی بین النهرین بوده است. (روزنتال، ۱۸۵-۱۸۷، اشپولر، تاریخ ایران، ۲۴/۱، الحوفی ۱۳/۱۹۸، ۲۰۰۵-۲۰۱ هم چنان که اخبار و فیات مکرر در مورد شخصیت‌های بسیار مهم تاریخی نیز در این کتاب جایی ندارد. (روزنتال، همان جا) در حالی که یکی از ویژگی‌های مهم الکامل پس از وقایع سال بیستم تا آخر کتاب توضیح مطالب قابل ذکر در آخر هر سال است. هرچند مهم‌ترین مطالب هر سال به مسایل سیاسی و حکومتی مربوط می‌شود، اما برای اینکه بعضی از موارد که به گمان او قابل بیان هستند چشم نپوشد، آنها را تحت عنوان «بیان رویدادهای چند» در بخش جداگانه‌ای مورد اشاره قرار داده است، که شامل شرح حال و تاریخ فوت دانشمندان و فضایی است که نزد او اهمیت بیشتری داشته‌اند و یا حوادث طبیعی و یا رویدادهای شگفت‌انگیز دیگری است که برای او جالب بوده است. (برای مثال، رک، ابن اثیر، ۴/۱، ۲۹۳/۴، ۱۳۴/۸) در واقع این کتاب متضمن حوادث خشک و خالی نیست، بلکه نویسنده در موارد مقتضی اطلاعات مفیدی در باب احوال، عقاید و رسوم و حتی آثار ادبی به دست داده است و گاه به هنگام بحث از نبردها، به متن جامعه نیز وارد شده و تصاویر جالبی از اجتماع آن دوران به دست می‌دهد (زرین‌کوب) طبری با نزدیک شدن به تاریخ معاصر خود، بیانی خشک‌تر و کوتاه‌تر می‌یابد و به عنوان عالمی که دانش خود را از کتاب‌ها کسب کرده بیشتر به گردآوری مواد خام تاریخی آن هم خالی از پیوستگی لازم تمایل یافته که ظاهراً این بی‌حوصلگی ناشی از کهولت سن او بوده است. (اشپولر، تاریخ ایران، ۲۵/۱، بار تولد ۳۷/۱) در حالی که ابن اثیر با رسیدن به عصر خود با اشتیاق و مهارت بیشتری به توضیح تاریخ این دوران می‌پردازد که با توجه به تاریخ پرآشوب آن دوره، الکامل موقعیت و جایگاه ویژه‌ای در این زمینه می‌یابد. (بار تولد، همان جا)، به عنوان مثال در بحث از تهاجم مغول، درباره‌ی پوشاک، غذا، برخورد با اسیران، شیوه‌ی نبرد و تدابیر جنگی و پیوند زناشویی و آیین پرستش مغولان می‌آورد که منبع مهمی

برای این گونه اطلاعات به شمار می‌رود. (رک، ابن اثیر، ۳۶۰/۱۲-۳۶۸) از دیگر ویژگی‌های ابن اثیر در این اثر نوعی جانبداری غیرمستقیم از اتابکان است. در واقع با توجه به میزان ارادتی که وی نسبت به خاندان زنگی داشته، کوشیده است تا در حوادث متأخر به نوعی از آنان نام برده و طرفداری کند و در عین حال چون نسبت به خاندان ایوبی نظر خوشی نداشته، تاریخ نگاران بعدی کمتر توانسته‌اند درباره ویژگی‌های صلاح الدین ایوبی از آثار او استفاده کنند. برای مثال وی در وقایع سال ۵۲۱ ق اتابک زنگی را با لفظ شهید یاد می‌کند حال آنکه برای دیگر بزرگان مقتول تاریخ از این واژه استفاده نکرده است. (ابن اثیر، ۶۴۱/۱۰) هم چنانکه طبری و تاریخ نویسان هم عصر او تحت لوای حکومت عباسی و با توجه به دیدگاه آنان به تاریخ نگریسته و گاه با حذف روایات مخالف و نامطلوب برای بنی عباس، اقدامات آنان را توجیه ساخته‌اند (روزنتال، همان‌جا).

در مجموع باید گفت که تاریخ طبری با توجه به مرجعیت و گستردگی موضوعی آن، دوره‌ی نوینی را در تاریخ نگاری اسلامی آغاز کرد که بعدها هیچ یک از نویسندگان تاریخ اوایل و قرون میانه‌ی اسلام نتوانسته‌اند در نگارش آثار خود از کتاب او صرف نظر کنند. علاوه بر آن امانتداری وی در حفظ روایات متعدد و اسناد آن که منجر به حفظ برخی از منابع کهن گردیده از ارزش‌ها و امتیازات فراموش نشدنی کتاب او است. که به موازات تأثیر حیرت آور آن بر مراجع و تاریخ نویسان بعدی اهمیت دارد بدین ترتیب الکامل که خود به نوعی متأثر از تاریخ طبری بوده، جایگاه ویژه‌ای در میان مورخان و معاصران ابن اثیر و آیندگان یافته است. به ویژه چگونگی پردازش مطالب و حجم آن و هم چنین نگرش این اثر به مسایل تاریخی از دید نقادان و مورخان نکته سنج دور نمانده و آن را به دلایل مختلف در ردیف آثار بزرگی همچون تاریخ طبری قرار داده است^۷ گرچه شیوه وی در زمینه ترجیح و تعادل و هم آهنگ ساختن مواد به شیوه‌ی انتقادی امروزی نیست، اما نمی‌توان این نکته را نادیده انگاشت که او تنها به جریان واقعی حوادث اندیشیده و در بسیاری از موارد توصیفی قابل قبول و سنجیده از آنها به دست داده است. به ویژه آن که بیشتر منابع مورد استفاده ابن اثیر، امروز مفقود گشته و تنها با همین اثر است که می‌توان به آنها دست یافت. (رک، اشپولر، تریخ ایران، ۲۶۱-۲۷) به هر حال تاریخ نویسان بعدی، ابن اثیر را نویسنده‌ای منصف و منتقد دانسته و عقیده دارند که با وجود نامعلوم بودن منابع کتابش، هنگام بررسی، دقت و درستی گفتار وی، می‌توان در مواردی که منابع به کلی مجهول است، نیز به آن اعتماد کرد

(بروکلمان، همان، ۵۷-۵۸) در واقع با آنکه بررسی‌ها بعضی کاستی‌ها را در زمینه‌ی استفاده او از مواد نمایان می‌سازد، اما وضوح در سبک، رعایت انصاف، عدم مبالغه، بلاغت و سلاست او و نیز تلاش برای ارائه‌ی یک اثر پویا قابل توجه بوده و علاوه بر ایجاد شهرت و معروفیت او، معیاری برای نویسندگان بعدی گشته است. (بار تولد، ۳۵/۱، ۱۱۱، کاهن، ۲۳۰)

کتاب منابع و مآخذ

- ۱- آژند، یعقوب، تاریخ نگاری در اسلام، نشر گسترده، تهران، ۱۳۶۱ ش.
- ۲- آژند، تاریخ نگاری در ایران، نشر گسترده، تهران، ۱۳۸۰ ش
- ۳- ابن اثیر، عزالدین، الکامل فی التاریخ، دار صادر، بیروت، ۱۳۸۶ ق
- ۴- ابن خلکان، احمد بن محمد، وفيات الاعیان فی انباء ابناء الزمان، تحقیق احسان عباسی، منشورات شریف رضی، قم، ۱۳۶۴ ش.
- ۵- اشپولر، برتولد، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه‌ی جواد فلاطری، علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۴ ش
- ۶- اشپولر، تاریخ مغول در ایران، ترجمه‌ی محمود میرآفتاب، علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۸ ش
- ۷- بارتولد، و، ترکستان‌نامه، ترجمه‌ی کریم کشاورز، آگاه، تهران ۱۳۶۶ ش
- ۸- باسورت، ادموند کلیفورد، تاریخ غزنویان، ترجمه حسن انوشه، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۶
- ۹- بدوی، عبدالرحمان، فرهنگ کامل خاورشناسان، ترجمه‌ی شکرالله خاکرند، مرکز کتالعات و تحقیقات اسلامی قم، ۱۳۷۵ ش
- ۱۰- بروکلمان، کارل، تاریخ الادب العربی، ترجمه‌ی محمود فهمی حجازی، الهيئة المصریه، مصر، ۱۹۹۳ م
- ۱۱- الحوفی، احمد محمد؛ طلیمات، عبدالقادر احمد، اعلام العرب، دارالکتب العربی، فرع مصر، ۱۹۶۹ م
- ۱۲- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، کشف الظنون، مؤسسه التاریخ العربی، بی‌جا، بی‌تا
- ۱۳- ذهبی، محمد بن احمد، سیرالاعلام النبلاء، تحقیق بشارعوا، معروف، مؤسسه الرساله بیروت، ۱۴۰۶ ق
- ۱۴- روزنتال، فرانتس، علم تاریخ عندالمسلمین، ترجمه‌ی صالح احمد الاعملى، مکتبه المثنی x بغداد، ۱۹۶۳ م
- ۱۵- زرکلی، خیرالدین، الاعلام، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۹۹۲ م
- ۱۶- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، امیرکبیر، تهران ۱۳۷۹ ش
- ۱۷- سرزگین، فواد، تاریخ نگارش‌های عربی، به اهتمام خانه‌ی کتاب، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۸۰ ش

- ۱۸- عالم‌زاده، هادی و سجادی، سید صادق، تاریخ نگاری در اسلام، سمت، تهران، ۱۳۷۵ ش
- ۱۹- سوازه، ژان، مدخل تاریخ شرق اسلامی، ترجمه‌ی نوش‌آفرین انصاری، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۶ ش
- ۲۰- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران، ۱۳۵۲ ش
- ۲۱- العزازی، عبدالرحمان حسین، طبری، السیرة، التاريخ، دارالشؤون و الثقافة، بغداد، ۱۹۸۹ م
- ۲۲- کلود، کاهن، درآمدی بر تاریخ اسلام در قرون وسطی، ترجمه‌ی اسدالله علوی، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۰

